

گزارش دخل و خرج ۱۴۰۱ ایرانی ها چه می گوید

ضریب جینی کم شد، سهم مسکن زیاد



مهدی عبداللهی دبیر گروه اقتصاد

روز گذشته مرکز آمار، چکیده نتایج طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوار شهری و روستایی در سال ۱۴۰۱ را منتشر کرد. این گزارش شامل اطلاعاتی در مورد هزینه کرد و درآمد خانوار، ضریب جینی و بهره‌مندی خانوار از برخی از لوازم خانگی و همچنین اطلاعاتی از نوع سوخت مصرفی خانوار است. بر اساس این گزارش مرکز آمار، ضریب جینی که شاخصی برای تعیین نابرابری در جامعه است در سال ۱۴۰۱ کاهش یافته است. اما سهم مسکن در سبد هزینه کرد خانوار با ۲٫۱ واحد درصد افزایش نسبت به سال قبل به عدد ۳۸٫۱ درصد رسیده است که بیانگر کاهش رفاه خانوار است. نکته مهم دیگر افزایش بیشتر درآمد خانوار نسبت به هزینه‌های آن است. به نظر می‌رسد دلیل این اتفاق احتیاط خانوار در مخارج خود با توجه به تورم‌های بالا و نااطمینانی از آینده باشد.

دخل و خرج ایرانیان در سال ۱۴۰۱

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، طی سال ۱۴۰۱ متوسط درآمد اظهار شده سالانه یک خانوار شهری نزدیک به ۱۶۷ میلیون تومان بوده که نسبت به سال قبل، ۴٫۸ درصد افزایش داشته است. همچنین طی سال ۱۴۰۱ متوسط هزینه کل خالص سالانه یک خانوار شهری ۱۳۷ میلیون تومان بوده است که نسبت به رقم مشابه در سال قبل ۴٫۸ درصد افزایش نشان می‌دهد. از هزینه کل سالانه خانوار شهری نزدیک به ۳۸ میلیون تومان آن سهم ۲۷٫۵ درصد مربوط به هزینه‌های خوراکی و دخانی و ۹٫۹۵ میلیون تومان با سهم ۷٫۲ درصد مربوط به هزینه‌های غیرخوراکی بوده است. در بین هزینه‌های خوراکی و دخانی، بیشترین سهم مربوط به هزینه گوشت با سهم ۲۰٫۷ درصد و در بین هزینه‌های غیرخوراکی بیشترین سهم با ۵۳٫۵ درصد مربوط به هزینه مسکن، سوخت و روشنایی بوده است. منابع تأمین درآمد خانوارهای شهری نشان می‌دهد که ۳۲٫۸ درصد درآمد از مشاغل مرز و حقوق بگیر، ۱۶ درصد از مشاغل آزاد کشاورزی و غیرکشاورزی و ۵۱٫۲ درصد از محل درآمدهای غیرمستقیم خانوار تأمین شده است. همچنین طبق گزارش مرکز آمار، متوسط هزینه کل خالص سالانه یک خانوار روستایی در سال ۱۴۰۱ حدود ۷۸٫۸ میلیون تومان بوده که نسبت به سال قبل ۵۱٫۹ درصد افزایش نشان می‌دهد. از هزینه کل سالانه خانوار روستایی ۳۲٫۵۸ میلیون تومان با سهم ۴۱٫۷ درصد مربوط به هزینه‌های خوراکی و دخانی و ۴۶ میلیون تومان با سهم ۵۸٫۲ درصد مربوط به هزینه‌های غیرخوراکی بوده است. در بین هزینه‌های خوراکی و دخانی، بیشترین سهم مربوط به هزینه گوشت با سهم ۲۰٫۷ درصد و پس از آن هزینه آرد، رشته، غلات، نان و فرآورده‌های آن، ۲۰٫۴ درصد و در بین هزینه‌های غیرخوراکی، بیشترین سهم با ۳۲٫۸ درصد مربوط به مسکن، سوخت و روشنایی بوده است. متوسط درآمد اظهار شده سالانه یک خانوار روستایی نیز طی سال گذشته ۹۸٫۶ میلیون تومان بوده که نسبت به سال قبل ۵۴٫۸ درصد افزایش داشته است. منابع تأمین درآمد خانوارهای روستایی نشان می‌دهد که ۳۲ درصد از مشاغل مرز و حقوق بگیر، ۳۰٫۱ درصد از مشاغل آزاد کشاورزی و غیرکشاورزی و ۳۷٫۹ درصد از محل درآمدهای غیرمستقیم خانوار تأمین شده است.

تهران، مازندران و البرز در صدر پولدارهای شهری

گزارش مرکز آمار ایران در بخشی نیز به وضعیت هزینه-درآمد استان‌ها پرداخته است. طبق این آمارها، در حالی که متوسط هزینه‌های خانوارهای شهری کشور در سال ۱۴۰۱ حدود ۱۳۷ و متوسط درآمد آنها ۱۶۷ میلیون تومان بوده، این مقدار برای خانوارهای استان تهران به ترتیب ۱۹۶ و ۲۳۱ میلیون تومان بوده است. استان تهران با هزینه ۱۴۹ و درآمد ۱۹۷ میلیون تومانی دوم هستند. شهرستان مازندران نیز با ۱۶۴ و ۱۹۷ میلیون تومان هزینه و درآمد، به لحاظ درآمدی سوم هستند. زدی ها، اصفهانی ها و فارسی ها در رتبه‌های بعدی قرار دارند. شهرستان استان‌های خراسان شمالی، استان سیستان و بلوچستان، لرستان، کرمان، ایلام، سمنان و کرمانشاه نیز به ترتیب دارای کمترین درآمد بوده‌اند.

مازندرانی‌ها پردرآمدترین روستاییان کشور

طبق آمارهای مرکز آمار ایران وضعیت درآمد و هزینه در مناطق روستایی نیز بسیار قابل تأمل است. برای نمونه، در حالی که میانگین درآمد خانوارهای روستایی کشور ۹۹ میلیون تومان و میانگین هزینه خانوارها ۷۹ میلیون تومان بوده، این مقدار در استان مازندران به ترتیب ۱۶۸ و ۱۳۰ میلیون تومان بوده است. این رقم، مناطق روستایی استان مازندران را به عنوان پردرآمدترین مناطق روستایی کشور مطرح کرده است. پس از مازندران، روستاییان استان البرز دوم، تهرانی‌ها سوم، اصفهانی‌ها چهارم، زنجان‌ها پنجم و بوشهری‌ها ششم هستند. در انتهای لیست نیز روستاییان استان‌های سیستان و بلوچستان با درآمد ۴۴ میلیون و هزینه ۴۲ میلیون، روستاییان خراسان شمالی با درآمد ۵۹ و هزینه ۵۳ میلیون و روستاییان خراسان جنوبی با ۶۱ میلیون درآمد و ۵۲ میلیون تومان هزینه قرار دارند. به عبارتی، هزینه و درآمد روستاییان مازندران، البرز و تهران بین ۲٫۵ تا ۴ برابر درآمد و هزینه روستاییان استان‌های سیستان و بلوچستان،

دهک‌ها	۱۴۰۰	۱۴۰۱	تغییرات		سهم پارانته ام‌ام‌ه (تومان)
			تفاوت رقم	درصد رشد	
کل کشور	۹۲.۵۰۱.۷۰۰	۱۳۷.۱۴۶.۰۰۰	۴۴.۶۴۴.۳۰۰	۴۸	۱۲.۷۴۳.۵۰۰
دهک ۱	۲۱.۰۳۱.۱۰۰	۳۲.۵۴۴.۵۰۰	۱۱.۵۱۳.۴۰۰	۵۵	۱۱.۳۹۶.۰۰۰
دهک ۲	۳۸.۸۶۰.۱۰۰	۵۹.۹۵۰.۱۰۰	۲۱.۰۹۰.۰۰۰	۵۴	۱۳.۴۶۴.۰۰۰
دهک ۳	۴۹.۰۷۰.۵۰۰	۷۵.۸۲۷.۳۰۰	۲۶.۷۵۶.۶۰۰	۵۵	۱۴.۴۷۶.۰۰۰
دهک ۴	۵۸.۷۸۱.۵۰۰	۸۹.۹۰۲.۱۰۰	۳۱.۱۲۰.۶۰۰	۵۳	۱۰.۹۵۶.۰۰۰
دهک ۵	۶۹.۱۳۶.۹۰۰	۱۰۴.۳۳۱.۳۰۰	۳۵.۱۹۴.۴۰۰	۵۱	۱۱.۴۸۴.۰۰۰
دهک ۶	۸۰.۷۲۳.۷۰۰	۱۲۱.۰۱۴.۸۰۰	۴۰.۲۹۱.۱۰۰	۵۰	۱۱.۳۱۹.۰۰۰
دهک ۷	۹۴.۹۰۱.۹۰۰	۱۴۱.۲۳۸.۰۰۰	۴۶.۳۳۶.۱۰۰	۴۹	۱۱.۳۵۲.۰۰۰
دهک ۸	۱۱۳.۷۳۷.۹۰۰	۱۶۹.۰۸۸.۸۰۰	۵۵.۳۵۰.۹۰۰	۴۹	۱۱.۵۸۳.۰۰۰
دهک ۹	۱۴۶.۳۶۳.۰۰۰	۲۱۵.۲۱۴.۶۰۰	۶۸.۸۵۱.۰۰۰	۴۷	۱۱.۳۸۵.۰۰۰
دهک ۱۰	۲۵۲.۶۶۰.۵۰۰	۳۶۲.۴۸۳.۹۰۰	۱۰۹.۸۲۳.۴۰۰	۴۳	۰

دهک‌ها	۱۴۰۰	۱۴۰۱	تغییرات		سهم پارانته ام‌ام‌ه (تومان)
			مقدار (تومان)	درصد	
کل کشور	۵۱.۹۱۱.۷۰۰	۷۸.۸۵۹.۴۰۰	۲۶.۹۴۷.۵۰۰	۵۲	۱۲.۷۴۳.۵۰۰
دهک ۱	۹.۰۸۷.۷۰۰	۱۳.۱۵۹.۴۰۰	۴.۰۷۱.۷۰۰	۴۵	۱۱.۳۹۶.۰۰۰
دهک ۲	۱۹.۸۲۷.۲۰۰	۲۹.۹۶۴.۵۰۰	۱۰.۱۳۷.۳۰۰	۵۱	۱۳.۴۶۴.۰۰۰
دهک ۳	۲۶.۴۹۱.۴۰۰	۳۹.۶۵۲.۳۰۰	۱۳.۱۶۰.۹۰۰	۵۰	۱۴.۴۷۶.۰۰۰
دهک ۴	۳۲.۵۲۳.۷۰۰	۴۸.۵۹۷.۱۰۰	۱۶.۰۷۳.۴۰۰	۴۹	۱۰.۹۵۶.۰۰۰
دهک ۵	۳۸.۸۱۸.۷۰۰	۵۸.۰۸۹.۷۰۰	۱۹.۲۷۱.۰۰۰	۵۰	۱۱.۴۸۴.۰۰۰
دهک ۶	۴۵.۶۵۶.۰۰۰	۶۸.۷۶۴.۰۰۰	۲۳.۱۰۸.۰۰۰	۵۱	۱۱.۳۱۹.۰۰۰
دهک ۷	۵۴.۱۷۸.۴۰۰	۸۲.۰۱۳.۰۰۰	۲۷.۸۳۴.۹۰۰	۵۱	۱۱.۳۵۲.۰۰۰
دهک ۸	۶۵.۷۶۱.۷۰۰	۹۹.۷۶۸.۴۰۰	۳۴.۰۰۶.۷۰۰	۵۲	۱۱.۵۸۳.۰۰۰
دهک ۹	۸۳.۶۶۱.۲۰۰	۱۲۶.۲۳۷.۷۰۰	۴۲.۵۷۶.۵۰۰	۵۱	۱۱.۳۸۵.۰۰۰
دهک ۱۰	۱۴۳.۱۳۶.۴۰۰	۲۲۲.۳۹۹.۱۰۰	۷۹.۲۶۲.۷۰۰	۵۵	۰

خراسان شمالی و خراسان جنوبی و حتی هرمزگان است.

رکورد تاریخی سهم مسکن در سبد معیشت

در مباحث اقتصادی-اجتماعی، یکی از مواردی که جزء مطالعات پیش‌رشته‌ای بوده، مساله مسکن مقرون به‌صرفه است. مسکن مقرون به‌صرفه به این معنی است که سهم مسکن از هزینه خانوار بیشتر از ۳۰ درصد نباشد، زیرا در صورتی که هزینه مسکن بیش از یک‌سوم هزینه‌های خانوار را به‌خود اختصاص دهد، سایر لذت‌های اساسی زندگی خانوار تهدید خواهد شد. یکی از شاخص‌های اندازه‌گیری میزان مقرون به‌صرفه بودن مسکن، سهم مسکن از هزینه خانوار شهری است. بر اساس تعاریف، در صورتی که سهم مسکن از هزینه خانوار بیش از ۳۰ درصد باشد، براساس تعریف هیئت‌انزمامه اسکان بشر ملل متحد) مقرون به‌صرفه نبوده است. این شاخص میزان هزینه مسکن را از کل هزینه خانوار نشان می‌دهد. آن‌طور که داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد، در مناطق شهری کشور سهم مسکن از هزینه‌های خانوار از ۲۸ تا ۲۹ درصد طی سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۸۴، به ۳۰ تا ۳۳ درصد تا سال ۱۳۹۶ رسیده است. اما در سال ۱۳۹۷ با شوک تحریم‌ها، التهابات ارزی، افزایش تورم و هجوم تقاضای سرمایه‌یابی به بخش مسکن، این بخش نیز با جهش شدید قیمت‌ها روبه‌رو شد و نتیجه آن، عقب‌ماندن قدرت خرید خانوارها از قیمت مسکن بود. با جهش قیمت‌ها در بازار مسکن که طی چند سال اخیر رخ داده، آمارهای مرکز آمار ایران نشان می‌دهد سهم مسکن از کل هزینه‌های خانوار (خوراکی و غیرخوراکی) به ۳۴ درصد در سال ۱۳۹۷، به ۳۹٫۸۳۶ درصد در سال ۱۳۹۸، به ۳۷ درصد در سال ۱۳۹۹، به ۳۶ درصد در سال ۱۴۰۰ و در نهایت به ۳۸٫۱ درصد در سال ۱۴۰۱ رسیده است. این مقدار علاوه بر اینکه حدود ۸ واحد درصد از نرخ فقر مسکن بالاتر بوده (نرخ متعارف ۳۰ درصد)، بالاترین رقم سهم مسکن از سبد هزینه‌های خانوارهای شهری ایرانی در چهار دهه اخیر نیز هست. اما برای اینکه بتوان درک بهتری از پیامدهای بالا بودن هزینه‌های مسکن در سبد هزینه‌ای خانوارهای شهری ایران به دست آورد، در اینجا یک مقایسه آماری بین هزینه‌های مسکن در سبد هزینه‌های شهری کشور جهان در مناطق مختلف انجام داده‌ایم. این مقایسه آماری نشان می‌دهد در حالی که مسکن و خدمات وابسته به آن در سبد هزینه‌های خانوارهای شهری ایرانی سهم نزدیک به ۳۸٫۱ درصدی دارد، در کشور عضو OECD به‌طور میانگین حدود ۲۳ درصد، در کشورهای عضو اتحادیه اروپا ۲۲٫۹ درصد و در حوزه یورو ۲۳٫۶ درصد، از هزینه‌های خانوار مربوط به مسکن است. در بین ۵۲ کشوری که وضعیت آنها با ایران مقایسه شده، پس از خانوارهای ایرانی، فنلاندی‌ها با ۲۸٫۹ درصد، اسلواکی‌ها با ۲۸٫۷ درصد، دانمارکی‌ها با ۲۸٫۱ درصد، جمهوری چک با ۲۶٫۳ درصد و فرانسه با ۲۶٫۲ درصد به ترتیب در رتبه‌های دوم تا هفتم با بالاترین هزینه در این بخش قرار دارند. در روسیه سهم مسکن از سبد هزینه‌ای خانوار حدود ۱۳٫۸ درصد است. این میزان در مکزیک ۱۴٫۶ درصد، در لیتوانی ۱۴٫۹ درصد، در ترکیه ۱۵ درصد، در کره جنوبی ۱۷ درصد، در قبرس ۱۵٫۶ درصد و در آمریکا ۱۹ درصد است. همچنین در قطر ۲۱٫۲ درصد، در عربستان سعودی ۲۲٫۴ درصد، در ایتالیا ۲۲٫۵ درصد، در پاکستان ۲۳٫۸ درصد، در چین ۲۴٫۴ درصد و در ژاپن ۲۵ درصد است.

خطر کاهش هزینه خانوار

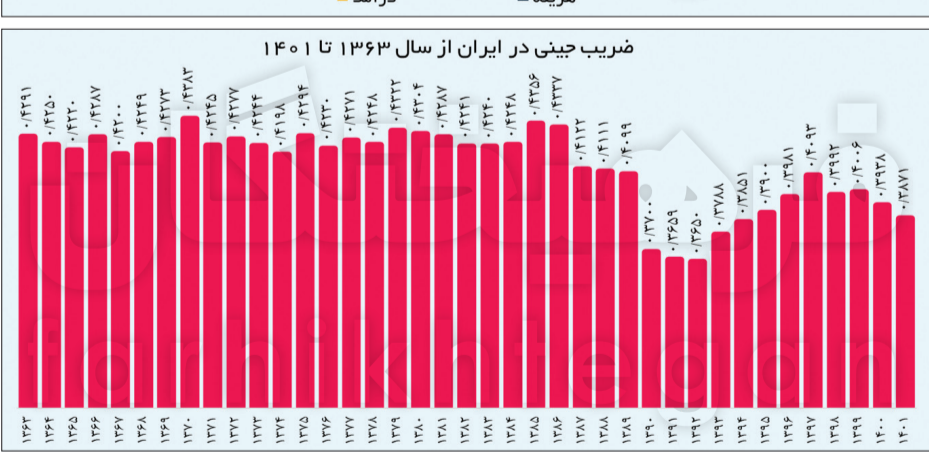
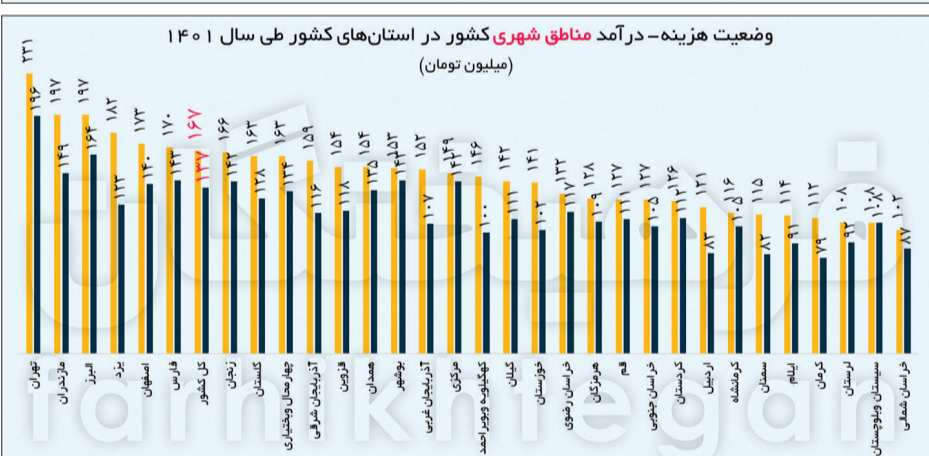
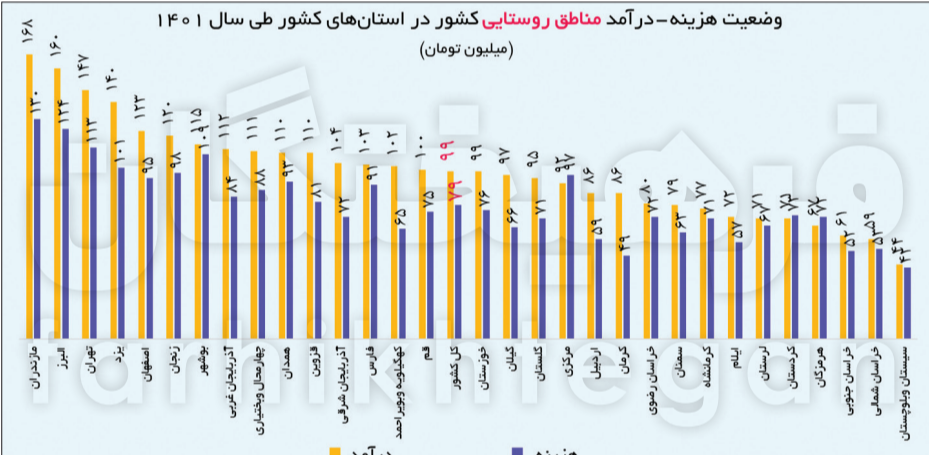
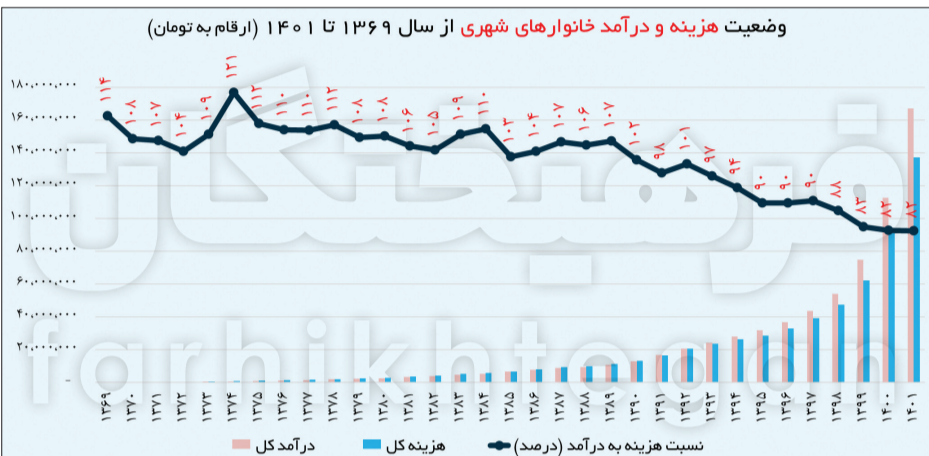
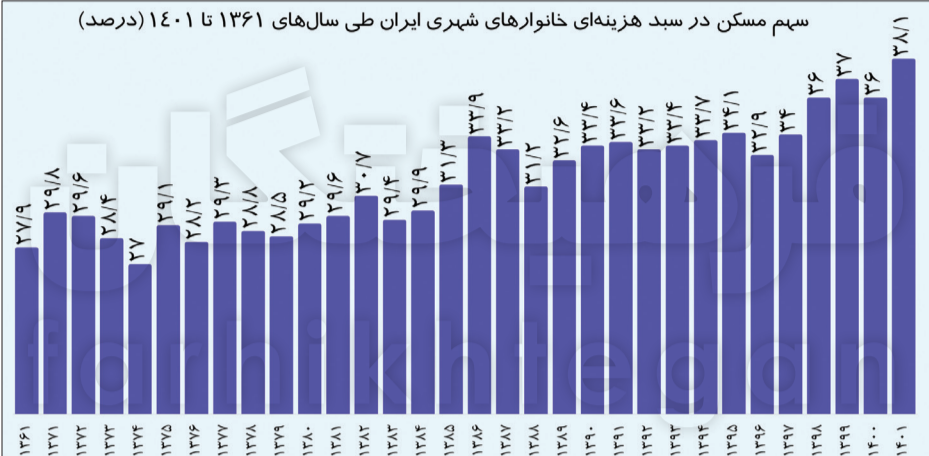
کیفیت زندگی و روند تحولات مربوط به معیشت خانوارهای ایرانی در طول سالیان گذشته همواره یک مسیر مشخص را طی کرده و آن هم فاصله بین هزینه و درآمد بوده است. داده‌های منتشر شده از سوسوی مرکز آمار نشان می‌دهد که متفاوت از سال‌های گذشته مخصوصاً در دولت‌های نهم و دهم که خانوارها معمولاً با کسری بودجه دست‌وپنجه نرم می‌کردند این بار پس از یک وقفه کوتاه

تعادلی در سال‌های ۹۲ و ۹۳ اختلاف روزافزونی بین هزینه و درآمد‌های آنها پیش آمده است به طوری که درآمد خانوارهای شهری در سال ۱۴۰۱ حدود ۱۶۷ میلیون و هزینه آنها نیز حدود ۱۳۷ میلیون تومان است که در مقایسه با سال قبل خود رشد‌های ۴۹ و ۴۷ درصدی را ثبت کرده‌اند. به عبارتی، طی سال ۱۴۰۱ میانگین درآمد خانوارهای شهری نزدیک به ۳۰ میلیون تومان بیشتر از هزینه‌های آنهاست. در نگاه اول ممکن است این طور به نظر برسد که این درآمد مازاد به معنی پس‌انداز بوده و اتفاق مثبتی است اما اقتصاددانان می‌گویند چنین افزایشی نشان می‌دهد افزایش سطح قیمت‌ها یا ایجاد نگرانی و بی‌ثباتی در اقتصاد در نهایت منجر به کاهش هزینه‌های خانوارها شده و این روند از سال ۹۳ به بعد همچنان ادامه دارد. این اتفاق هر چند ممکن است تأثیر گرفته از تحریم‌ها باشد اما به مراتب برای اقتصاد کشور از آن خطرناک‌تر است، چراکه کاهش هزینه‌های خانوارها به معنای کاهش مصرف و در ادامه کاهش تولید و سرمایه‌گذاری هادر کشور خواهد بود که در نهایت رشد و توسعه اقتصادی را هدف قرار می‌دهد.

طبق آنچه در نمودار آمده، آمارهای مرکز آمار ایران نشان می‌دهد بین سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۸۴ هزینه خانوار معادل ۱۰۸ تا ۱۱۰ درصد درآمد خانوار بوده است. این مقدار بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹ به ۱۰۵ تا ۱۰۸ درصد رسیده و در سال‌های ۱۳۹۰ به بعد آرام آرام به سمت زیر ۱۰۰ درصد خزیده است. در سال ۱۳۹۳ نسبت هزینه به درآمد خانوار شهری به ۹۷ درصد، در سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۷ به حول و حوش ۹۰ درصد و در سه سال اخیر به حدود ۸۲ درصد رسیده است. به عبارتی، هزینه خانوار حالا معادل ۸۲ درصد درآمد خانوار است. به نظر می‌رسد نگرانی خانوارها از شرایط آینده اقتصاد و عدم ثبات مسبب اصلی کاهش هزینه‌ها از سوی خانوارهاست. به عبارتی، خانوارها به دلیل نبود چشم‌انداز قابل اتکا از شرایط اقتصادی و عدم اطمینان از ثبات اقتصادی، بسیاری از هزینه‌های خود (برای مثال هزینه‌های ازدواج، فرزندآوری، هزینه‌های سفر و تفریح، خرید لباس و پوشاک یا...) را به آینده موکول می‌کنند تا در صورت بدتر شدن شرایط اقتصادی در تنگنا قرار نگیرند. به عبارتی، با اینکه در درآمد خانوارها رکورد کشور افزایش داشته اما به دلیل همان نگرانی از آینده و بی‌ثباتی، خانوار سعی می‌کند هزینه‌ها را کاهش دهد. این مساله از منظر تئوری‌های رشد و توسعه اقتصادی نکته‌ای منفی و بازدارنده محسوب می‌شود، چراکه کاهش هزینه‌های خانوارها مستقیماً منجر به کاهش مصرف آنها و در نهایت کاهش تولید و عمیق‌تر شدن رکود اقتصادی می‌شود. همچنین داده‌های دیگر مرکز آمار ایران و وزارت رفاه از مصرف خانوار این موضوع را تأیید می‌کند، به طوری که طی دهه ۱۳۹۰ سرانه مصرف خانوار در بخش گوشت قرمز، ماهی، برنج، لبنیات، میوه و... کاهش قابل توجهی داشته است. همچنین سهم هزینه‌های مربوط به بخش فرهنگی، کفش و پوشاک، تفریح و وقتن به رستوران و... نیز در این دوره کاهش یافته است.

کاهش نابرابری یا پارانته نقدی

گزارش مرکز آمار نشان می‌دهد با شروع سیاست مردمی‌سازی پارانته‌ها و حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی از اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۱، ضریب جینی در این سال کاهش یافته است. ضریب جینی یکی از شاخص‌های سنجش نابرابری درآمد جامعه است که عدد آن میان صفر و یک است. هرچه این عدد به یک نزدیک‌تر باشد به معنای نابرابری بیشتر و هرچه به صفر نزدیک‌تر باشد به معنای توزیع برابر درآمد در جامعه است. طبق این گزارش ضریب جینی کل کشور در سال ۱۴۰۱ به عدد ۰٫۳۸۷۷ رسیده است. در حالی که در سال ۱۴۰۰ عدد ۰٫۳۹۲۸ بود. البته تغییر ضریب جینی در خانوار شهری و روستایی متفاوت است. در خانوار روستایی ضریب جینی نسبت به سال گذشته افزایش یافته و از عدد ۰٫۲۵۹۴ در سال ۱۴۰۰ به عدد ۰٫۳۶۴۳ در سال ۱۴۰۱ رسیده است. اما



می‌شود یا به طور نمونه بر همین اساس خانوار دهک اول تقریباً ۱۱ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان دریافت می‌کند. حال برای فهم بهتر تأثیر پارانته نقدی بر خانوارهای شهری در دهک‌های مختلف درآمدی می‌توان بر اساس گزارش مرکز آمار به تفاوت هزینه خانوار شهری در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ توجه داشت. برای نمونه تفاوت هزینه‌های دهک‌های اول، چهارم و هفتم به ترتیب تقریباً برابر ۱۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان، ۳۱ میلیون تومان و ۴۶ میلیون تومان است. این اعداد نشان می‌دهد پارانته‌های نقدی برای دهک‌های پایین درآمدی و حتی دهک‌های میانی بسیار قابل توجه است و برای دهک‌های بالاتر کم‌ارزش‌تر است. از این روستی می‌توان به فهم بهتری از چرایی کاهش ضریب جینی در سال ۱۴۰۱ رسید. در مورد خانوار روستایی نیز این موضوع صادق است. در خانوار روستایی تفاوت هزینه‌های یک خانواده در دهک‌های اول، چهارم و هفتم به ترتیب تقریباً برابر است با ۴ میلیون تومان، ۱۶ میلیون تومان و ۲۷ میلیون تومان که نشان دهنده تأثیر قابل توجه پارانته‌های نقدی در افزایش قدرت خرید آنان است.

برخلاف خانوار روستایی، ضریب جینی در خانوار شهری کاهش یافته است و از عدد ۰٫۳۷۵۷ در سال ۱۴۰۰ به عدد ۰٫۳۶۹۶ در سال ۱۴۰۱ رسیده است. به نظر می‌رسد عمده‌ترین دلیل کاهش ضریب جینی در سال ۱۴۰۱، پارانته‌های نقدی بود. در واقع بعد از آنکه دولت اختصاص ارز ۴۲۰۰ تومانی را به واردات کالاها اساسی قطع کرد و قیمت این کالاها افزایش یافت، دولت برای جبران مابه‌التفاوت هزینه‌های تحمیل شده به خانواده‌ها اقدام به واریز ۴۰۰ هزار تومان پارانته نقدی به دهک‌های اول تا سوم و ۳۰۰ هزار تومان به دهک‌های چهارم تا نهم کرد. همین اقدام سبب شد تا دریافتی خانوار در سال ۱۴۰۱ به طور تقریبی ۱۱ تا ۱۴ میلیون تومان افزایش یابد. در واقع اگر بخواهیم بر اساس بعد خانوار هر دهک که مرکز آمار منتشر کرده است پارانته هر خانواده را حساب کنیم می‌بایست مثلاً برای یک خانواده ۳٫۲۲ (میانگین بعد خانوار دهک چهارم) نفری در دهک چهارم، یازده ماه پارانته ۳۰۰ هزار تومانی برای هر سه نفر محاسبه کرد که عدد به دست آمده ۱۰ میلیون و ۹۵ هزار تومان